





عنوان و نام پدیدآور: عصمت؛ زلال محض / گردآورنده
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی؛ ویراستار محمدمهدی باقری.
 مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
 شابک: 978-600-6543-74-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: عصمت (اسلام) -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
 رده بندی کنگره: BP/۲۳۰/۱۳۹۱۵/۴۳/ع
 رده بندی دیویی: ۲۳/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۸۲۶۵



۳۹ → عصمت؛ زلال محض

نویسنده: حسن یوسفیان
 آستان قدس رضوی
 چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 نشانی: حرم مطهر امام‌رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
 تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲
Rahnama@Aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
 ویراستار: حسین حبیبی
 طراح جلد: علی بیات
 طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





عصمت؛ زلال محض

پنج پرسش زیر را، در این نوشتار، پاسخ می‌گیرید:

۱. واژه عصمت از چه زمانی در معنای امروزی آن به کار رفته است؟
۲. اگر عصمت امری اعطایی است، آیا مصونیت پیامبران و امامان از گناه، جبری نخواهد بود؟
در این صورت، دلیل برتری آنان بر سایر انسان‌ها چیست؟
۳. هیچ انسانی خالی از امیال و شهوات نفسانی نیست؛ بنابراین، چگونه می‌توان امکان معصوم بودن انسانی را پذیرفت؟
۴. شیعیان بر اساس چه دلایلی امامان خود را معصوم می‌دانند؟
۵. آیا اعتقاد به عصمت پیامبران و امامان، تأثیری منفی بر زندگی فردی و اجتماعی شیعیان نمی‌گذارد؟



١. مفهوم عصمت



؟: واژه عصمت از چه زمانی در معنای امروزی آن به کار رفته است؟

عصمت در لغت به معنای منع کردن و بازداشتن است و به همین معنا، در برخی آیات و روایات به کار رفته است: ﴿لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ﴾ (= امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاه‌دارنده‌ای نیست؛ مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند).^۱ یعنی، تنها رحمت اوست که مانع از عذاب می‌شود. ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (= خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد).^۲ نیز، «إِنَّ التَّقْوَىٰ عِصْمَةٌ لَّكَ فِي حَيَاتِكَ» (= تقوای الهی [از آلودگی به گناه] بازتان می‌دارد).^۳ گفتنی است که بازداشتن و منع کردن، همواره با جبر و اکراه همراه نیست؛ بلکه برای کسی که به پند و اندرز

۱. هود/۴۳.

۲. مائده/۶۷.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۷۴.



بسندۀ کرده و دایرهٔ اختیارِ دیگری را تنگ نمی‌کنید نیز، می‌توان این واژه را به کار گرفت.^۱

به‌علاوه، از دیدگاه آیات و روایات، پیامبران و امامان علیهم‌السلام از هرگونه گناه و خطایی در امان‌اند. برای بیان این حقیقت، الفاظ و تعبیرِ گوناگونی به کار رفته است که واژهٔ «عصمت» نیز یکی از آن‌هاست؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ.» (= من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین، پاک و معصوم هستیم).^۲ امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام، نیز با اشاره به این حقیقت که خدای حکیم را نشاید که به اطاعت و پیرویِ همه‌جانبه از کسی فرمان دهد که از آلوده‌شدن به گناه در امان نیست، می‌فرمایند: «أَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ مُطَهَّرٌ لَا يُأْمُرُ بِمَعْصِيَتِهِ.» (= دلیل آنکه خداوند مردم را به اطاعت [همه‌جانبه] از پیامبر می‌خواند، آن است که وی پاک و معصوم است و به

۱. ر.ک: مقایس اللغة، ج ۴، ص ۳۳۱؛ و بحار/الانوار، ج ۱۷، ص ۹۴.

۲. بحار/الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۱؛ و ینابیع المودة، باب ۷۷، ص ۴۴۵.



گناه، فرمان نمی‌دهد.^۱

این‌ها، تنها، نمونه‌ای است از روایاتی که پیشینه کاربرد واژه عصمت را می‌نمایانند و بر این پندار خط بطلان می‌کشند که پیدایش این اصطلاح، سال‌ها پس از ظهور اسلام و در زمان رواج اندیشه‌های کلامی بوده است^۲ با این‌همه، برای بهره‌گیری از معارف دینی، نباید تنها از واژه‌هایی سراغ گرفت که به تدریج در معنای امروزی‌شان به کار رفته یا در این معانی رواج یافته‌اند. قرآن کریم، بی‌آنکه واژه عصمت را به کار گیرد، با بیان‌های گوناگون، دامن انبیا و اولیاء را از هرگونه گناه و خطایی می‌زداید.^۳ پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امیرمؤمنان علیؑ نیز، افزون بر این واژه، تعبیر دیگری به کار می‌برند که در رسایی و گویایی، چیزی از آن کم ندارد؛

۱. موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. ر.ک: عصمة الانبياء، رسالة التقريب، العدد الثاني، ص ۱۳۳.

۳. ر.ک: پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۱۰۹ تا ۱۱۴ و ۱۵۷ تا ۱۶۰ و ۱۹۶ تا ۲۰۷ و ۲۸۵ تا ۳۰۶.



چنان که پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر آیه تطهیر می‌فرمایند: «فَأَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ» (= من و اهل‌بیتم از گناه پیراسته‌ایم).^۱



۲. عصمت و اختیار



؟: اگر عصمت امری اعطایی است، آیا مصونیت پیامبران و امامان از گناه، جبری نخواهد بود؟ در این صورت، دلیل برتری آنان بر سایر انسان‌ها چیست؟

جبری یا اختیاری بودن عصمت، اولین و مهم‌ترین پرسشی است که این مسئله، پیش چشم خردمندان می‌نهد؛^۱ چرا که ارزش آدمی به اراده آزاد و اختیار اوست و جبری‌انگاشتن عصمت، معصومان را به ماشین خودکاری تبدیل می‌کند که نه شایسته الگوشدن برای دیگران‌اند، و نه سزاوار پاداش فراوان.

۱. برخی نویسندگان از آنجا که نتوانسته‌اند راهی برای جمع میان اختیاری بودن عصمت و دلیل برتری معصومان بیابند، بهتر آن دیده‌اند که اصل این فضیلت را انکار کنند. بر اساس این دیدگاه «اگر پیامبر، معصوم باشد، در کارهایی که انجام می‌دهد یا از آن‌ها دست می‌کشد، امتیازی بر دیگران نخواهد داشت؛ اما زندگی غیرمعصومانه پیامبر، شأن و منزلت او را بالا می‌برد و نشانه این است که در جهاد اکبر و مبارزه با نفسِ اماره، موفق بوده و در غالب اوقات، راه و هدف درست را شناخته و از آن پیروی کرده است». ر.ک: *مقارنۃ الادیان*، ج ۳، ص ۱۲۶.



اختیار آمد عبادت را نمک ورنه می‌گردد به ناخواه این فلک
گردش او را نه اجر و نه عقاب که اختیار آمد هنر وقت حساب
جمله عالم خود مسبّح آمدند نیست آن تسبیحِ جبری مُزدَمند^۱

راه حل این مشکل، ساده است: سیرِ اختیاری انسان دو رکن اساسی دارد: علم و اراده. اگر دچارِ معصیت می‌شویم، یا نسبت به زشتیِ گناه آگاهی کامل نداریم، یا اراده‌ای قوی برای ترک آن در خود نمی‌یابیم. هر چه این دو عامل تقویت شوند، دایرهٔ گناهان آدمی، تنگ‌تر و تنگ‌تر خواهد شد. معصومان علیهم‌السلام کسانی هستند که هم از نظر شناخت، چنان‌اند که زشتی و ناپسندی هر کارِ بدی را به چشمِ دل می‌بینند و هم به لحاظ اراده، چنان قدرتی دارند که طوفان غرایز حیوانی، عنانِ اختیار از کفِ آنان نمی‌رباید. همهٔ ما مرتبه‌ای را از چنین مصونیت‌هایی تجربه

۱. مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۹-۳۲۸۷.



کرده‌ایم؛ برای مثال، خوردن برخی نجاسات، حتی به فکر هیچ عاقلی هم خطور نمی‌کند، چه رسد به اینکه جامهٔ تحقّق پوشد.^۱

اما مسئله به همین جا خاتمه نمی‌یابد؛ پرسشی که هنوز ذهن آدمی را به خود مشغول می‌دارد، این است که چرا این علم و ارادهٔ آن‌چنانی، در انحصار گروهی اندک است؟ درست است که راه‌حل ذکر شده، مشکل اختیار معصومین را چاره می‌کند؛ اما همچنان، دلیل برتری آنان بر سایرین، بی‌پاسخ مانده است. پیامبر و امام معصوم، گناه را همچون مادهٔ سمّی می‌بیند؛ از این رو، فکر انجام دادنِ آن را نیز در سر نمی‌پروراند. ما نیز اگر چنان علم و اراده‌ای داشتیم، واجدِ صفت عصمت می‌شدیم.

۱. راهنماشناسی، ص ۱۱۵ تا ۱۲۸. برای آشنایی با تبیین‌های دیگری از اختیاری بودن عصمت، ر.ک: *الصحيح من سيرة النبي الا عظم*، ج ۳، ص ۲۹۷ تا ۳۰۲؛ *امام‌شناسی*، ج ۱، ص ۸۰؛ *امامت و رهبری*، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ *تنزیه انبیا از آدم تا خاتم*، ص ۱۹ تا ۲۱؛ *گوهر مراد*، ص ۳۷۹؛ *انیس الموحّدین*، ب ۳، ف ۲؛ *فلسفهٔ وحی و نبوت*، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.



این پرسش اساسی که گاه از آن با عنوان «موهبتی بودن عصمت» یاد می‌شود، با پاسخ‌های مختلفی روبه‌رو شده است.^۱ یکی از آن‌ها که در تأیید آن، از روایات مختلفی می‌توان سود جست، راه‌حل این مشکل را در علم پیشین الهی جستجو می‌کند؛ به این بیان که خداوند عز و جل پیش از آفرینش آدمیان، با علم ازلی خود می‌دانست که گروهی از آنان، بیش از سایرین، از اختیار خود بهره می‌گیرند و حتی اگر موهبت‌های ویژه نیز به آنان نرسد، با اعمال اختیاری خود، سرآمدِ همگان خواهند شد. این منزلتی که اینان با سیر اختیاری خویش بدان می‌رسیدند، سبب شد که خداوند عز و جل موهبت ویژه خویش را به آنان عطا کند و ایشان را از علم و اراده‌ای برخوردار کند که به واسطه آن، به مصونیت کامل برسند و در پرتو آن، راهنمایانی مطمئن برای همه افراد بشر شوند.

۱. برای نمونه، ر.ک: پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی، ج ۱، ص ۱۶۵ تا ۱۶۹؛ راهنماشناسی، ص ۱۲۱؛ امام‌شناسی، ج ۱، ص ۱۱۴.



به عبارت دیگر، دلیل اعطای چنین موهبتی، علاوه بر پاداش به خودِ آن‌ها، فراهم کردنِ وسایل هدایت برای سایر انسان‌هاست.^۱ این نکته را می‌توان به‌خوبی از فرازهای آغازینِ دعای ندبه فهمید. همچنین، در روایتی از امام صادق علیه السلام دربارهٔ موهبت‌های ویژهٔ پیامبران علیهم السلام، چنین آمده است: «از آنجاکه خداوند به‌هنگام آفرینش پیامبران، می‌دانست که آنان از او فرمان‌برداری کرده و فقط او را عبادت می‌کنند و هیچ‌گونه شرکی روا نمی‌دارند، [از موهبت‌های ویژهٔ خویش، برخوردارشان ساخت.] پس اینان به‌واسطهٔ فرمان‌برداری از خداوند، به این کرامت و منزلت والا رسیده‌اند.»^۲

۱. پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۶۶ تا ۶۸؛ همچنین، ر.ک: بحار/الانوار، ج ۱۷، ص ۹۴؛ مصنفات/الشیخ المفید، ج ۵، تصحیح

الاعتقاد، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. بحار/الانوار، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

۳. ناسازگاری با طبیعت انسان



۳. هیچ انسانی خالی از امیال و شهوات نفسانی نیست؛ بنابراین، چگونه می‌توان امکان معصوم‌بودنِ انسانی را پذیرفت؟

برخی کسانی که به روشنفکران مذهبی شهرت یافته‌اند، بی‌گناهی را گناهی بزرگ برای نوع بشر می‌شمارند؛ با این استدلال که طینتِ آدمی را با اراده و اختیار سرشته‌اند و آنان که این ویژگی را ندارند، یا حیوان‌اند یا فرشته!^۱ احمد امین مصری نیز پیراستگی از گناه را ناشدنی می‌شمارد و با اشاره به وجود گرایش‌های گوناگون در آدمی، برای انسانِ عاری از گناه جایگاهی جز پندار نمی‌شناسد.^۲

در پاسخ باید گفت که چنین نگرشی بیش از هر چیز، نمایانگر برداشت نادرست اینان از پدیده

۱. بازخوانی قصه خلقت، ص ۱۱۰ تا ۱۱۲.

۲. ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ ر.ک: من العقيدة الى الثورة، ج ۴، ص ۱۸۷ تا ۱۹۱.



عصمت و نادیده گرفتن توانایی‌های آدمی است. برای توضیح بیشتر، چند نکته را یادآور می‌شویم:^۱

۱-۳ سازگاری عصمت با اختیار

بی‌تردید، قوام انسان به اراده و اختیار است و در هیچ پدیده انسانی، نمی‌توان این ویژگی را نادیده گرفت. ازسوی دیگر، کسانی که با سخنانی ازاین‌دست، امکان عصمت را به چالش می‌خوانند، نتوانسته‌اند عصمت و اختیار را با یکدیگر سازش دهند و آن دو را کنار هم بنشانند. ازاین‌روست که می‌گویند: «انسان، با عصیان و اراده و آگاهی و قدرت، خود را ثابت می‌کند» یا «کمال آدمی به این است که با وجود توانایی بر انجام‌دادن کارهای زشت، در بیشتر اوقات، جانب خیر و پاکی را ترجیح دهد».

۱. ر.ک: پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۳۵ تا ۴۲.



این در حالی است که در جای خود، رابطه عصمت و اختیار را بررسی کرده و سازگاری آن دو را با یکدیگر به اثبات رسانده‌اند. به‌راستی مگر درجاتی از عصمت، کم‌وبیش در همه انسان‌ها تحقق نیافته است؟ کدام انسان با اراده‌ای است که آگاهانه، لب به غذای مسموم بزند؟ تنها تفاوت معصومان علیهم‌السلام با دیگران در این است که در نظر آن بزرگواران، همه گناهان چون زهری کشنده‌اند؛ از این‌رو، خیال نزدیک‌شدن به آن‌را نیز از سر نمی‌گذرانند.^۱

۲-۳ انسان برتر؛ نه برتر از انسان

در تاریخ، بسیاری افراد به‌دلیل بشربودنِ انبیا، پیامبری‌شان را زیر سؤال برده و از پذیرش دعوتشان روی‌برتابته‌اند. پیام‌آورانِ آسمانی نیز با تأکید بر بشربودن خویش، موهبت الهی را

۱. ر.ک: /الهیات، ج ۳، ص ۱۵۹ تا ۱۶۲؛ /امامت و رهبری، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ /مأم‌شناسی، ج ۱، ص ۸۰.



دلیل دستیابی به این مقامات ویژه دانسته‌اند: ﴿إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُنْزِلُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (= ما جز بشری مثل شما نیستیم؛ ولی، خدا بر هریک از بندگان که بخواهد، منت می‌نهد).^۱

بنابراین، نباید از همانندی در انسان‌بودگی، به گمراهی بیفتیم و هیچ انسانی را شایسته ارتباط با جهانی دیگر و دستیابی به مقامات والایی همچون عصمت ندانیم. اگر خود، چهره حقیقی گناهان را چنان که باید، درک نکرده‌ایم و آن اراده قوی را برای دوری از آن‌ها در خود نمی‌بینیم و خوشتن را اسیر دام‌های شیطانی می‌یابیم، نباید همگان را با خود مقایسه کرده، هر سخنی را انکار کنیم که فراتر از سطح اندیشه ماست.



۳-۳ توانایی انجام دادن گناه؛ نه آلودگی به آن

آنچه رهن اندیشه عصمت‌ستیزان قرار گرفته است، این پندار است که با وجود گرایش‌های نفسانی، گریزی از آلودگی به گناه نیست. غافل از آنکه در کنار امیالی که آدمی را به زشتی‌ها فرامی‌خواند، همواره گرایش به خوبی نیز وجود دارد و در معصومان علیهم‌السلام، این گرایش‌ها هیچ‌گاه راهی برای به‌بارنشستنِ امیالِ دسته اول باقی نمی‌گذارد. به اصطلاح، این انسان‌های والا که در معرض انجام دادن گناه هم هستند، همواره مانعی در پیش روی خود می‌بینند و از فعالیتِ معصیت‌بار باز می‌مانند.^۱

۱. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بررسی مسائل کلی امامت، ص ۱۷۲ تا ۱۷۴.



۳-۴ تعدیل قوا؛ نه سرکوب آن‌ها

یکی از نکاتی که توجه به آن، بسیاری تردیدها را پایان می‌دهد، این است که عصمت به معنای سرکوبی قوای نفسانی و شهوانی نیست؛ بلکه نیرویی است که به هر کدام از گرایش‌های آدمی، از راه حلال پاسخ می‌گوید. «مثلاً سامعه از انسان صوت حَسَن می‌خواهد، نه غنا؛ و شخص می‌تواند صوت حسن را با صوت موزون و دلپذیر بدون شائبه حرام، تأمین کند. نیز، سایر قوا، هر کدام مقتضیاتی دارند که هم می‌توان آن‌را از راه حلال تهیه کرد و هم از راه حرام. انبیا راه حرام را بستند و با حلال، به مقتضیات قوا پاسخ دادند.»^۱

۱. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۹؛ سیره علمی و عملی حضرت رسول اکرم ﷺ، ص ۲۲ و ۲۳.



۴. عصمت امامان



؟: شیعیان بر اساس چه دلایلی امامان خود را معصوم می‌دانند؟

اندیشمندان شیعه برای اثبات عصمت امامان علیهم‌السلام از ادله گوناگونی بهره می‌برند که تبیین آنها نیازمند کتابی پُر حجم و مستقل است؛ چنان‌که علامه حلی با شرح و بسط این دلایل، بیش از هزار نکته در این باره فراهم آورده است.^۱ با این حال، اشاره‌ای کوتاه به این ادله، خالی از فایده نیست و زمینه جستجوهای بیشتر و عمیق‌تر را فراهم می‌سازد.

۱. ر.ک: *الالفین فی امامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام*.



۱-۴ جدایی ناپذیری مقام امامت از عصمت^۱

مقام امامت، آن گونه که از کتاب و سنت برمی آید، در رهبری سیاسی جامعه اسلامی خلاصه نمی شود؛ بلکه دنباله نبوت و کامل کننده رسالت است.^۲ چنین تصویری از مسئله، پیامبر و امام را کنار هم می نشانند و دلایل عقلی عصمت را به قلمرو امامت نیز می کشاند. با این تفاوت که در اینجا، به جای ابلاغ وحی، از تبیین معارف و حیانی سخن می رود.

۱. کشف المراد، ص ۳۶۴ و ۳۶۵؛ نهج الحق، ص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ ارشاد الطالبین، ص ۳۳۳ تا ۳۳۶؛ تنزیه الانبیاء، ص ۸ و ۹؛ عقائد الامامیه، ص ۶۷؛ تلخیص الشافعی، ج ۱، ص ۱۹۴ تا ۲۰۱؛ امام شناسی، ج ۱، ص ۹.

۲. الالهیات، ج ۴، ص ۲۶ تا ۴۵؛ امامت و رهبری، ص ۵۱ و ۵۲؛ پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۲۸۰ تا ۲۸۵.



۲-۴ قرآن و عصمت امام

۱-۲-۴ آیه امامت: قرآن کریم ظالمان را شایسته مقام امامت نمی‌داند^۱ و با توجه به آنکه فرهنگ قرآن، هر گناهکاری را ظالم می‌خواند،^۲ چاره‌ای جز پذیرش عصمتِ امام باقی نمی‌ماند. این آیه هر چند گفت‌وگوهای فراوانی برانگیخته است، اما روشنی آن به اندازه‌ای است که برخی مفسرانِ اهل سنت را نیز به اعترافی چنین واداشته است؛ به طوری که یکی از این مفسران می‌گوید: «این آیه دلیل بر آن است که پیامبران، [حتی] پیش از بعثت نیز از گناهان کبیره معصوم‌اند و فاسقان، شایستگی پیامبری ندارند.»^۳

این مفسر نامدار اگر پیش‌فرض‌های ذهنی خود را کنار می‌نهد، میان امامت و نبوت فرقی

۱. ر.ک: بقره/۱۲۴.

۲. العصمة، ص ۲۵ تا ۲۷؛ الالهیات، ج ۴، ص ۱۲۱؛ المیزان، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳. تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۳۹.



نمی گذاشت و در بیان شروط امام، تنها به عدالت بسنده نمی کرد. زیرا در آیه مذکور، سخن بر سر آن است که ظالمان، شایستگی دریافت عهد الهی را ندارند. ما نیز می پذیریم که عهد الهی، عنوانی است فراگیر که نبوت و امامت، هر دو، را دربرمی گیرد؛ اما، چگونه این جمله در یکی از مصادیق عهد، لزوم عصمت را نتیجه می دهد و در مصداق دیگر آن، از حدّ اشتراطِ عدالت فراتر نمی رود؟!

۲-۲-۴ آیه اولی الامر: در آیه ای دیگر، قرآن کریم همگان را به اطاعت از اولی الامر فرامی خواند و این گروه را در کنار پیامبر می نشاند.^۱ این اطاعت به دلیل آنکه قید و شرطی به همراه ندارد، اطاعتی همه جانبه و بی چون و چراست و این مطلب، جز با عصمت اولی الامر سازگار نیست؛ زیرا سرسپردگی این چنینی تنها در برابر کسی سزاوار است که از کج روی و کج اندیشی در



امان است و نه تنها در گفتار، بلکه با رفتار خود نیز مردم را جز به آنچه رضای خداوند است، نمی خواند.^۱

فخر رازی، اندیشمند و مفسر بزرگ اهل سنت که به دلیل توانایی زیاد در شبهه افکنی، او را امام المشککین می خوانند، دلالت آیه بر عصمت را می پذیرد؛ اما، منظور از اولی الامر را نخبگان امت می داند؛^۲ در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسشی در این باره، از امامان دوازده گانه شیعه نام می برد و آنان را جانشین خود و پیشوای مردم معرفی می کند.^۳

۳-۲-۴ آیه تطهیر: آیه تطهیر از دیگر آیاتی است که به روشنی، عصمت اهل بیت علیهم السلام را

۱. المیزان، ج ۴، ص ۳۸۷ تا ۴۰۱؛ ولایت فقیه، ص ۷۲.

۲. التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۱۶.

۳. ر.ک: اثبات الهداة، ج ۱، ص ۵۰۱؛ ر.ک: منابع المودة، ص ۴۹۴ و ۴۹۵.



می‌نمایاند و بر پاکی و طهارت آنان تأکید می‌ورزد.^۱ سخن دربارهٔ این آیه نیز فراوان است؛ اما آنچه به‌طور گذرا می‌توان گفت این است که بر اساس این آیه، ارادهٔ ازلی و تخلف‌ناپذیر الهی بر این تعلق گرفته است که هرگونه «رجس» و پلیدی را از اهل بیت بزداید و آنان را پاک سازد و طاهر نگه دارد. این حقیقت، با توجه به این نکته که قرآن کریم هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی را رجس می‌شمارد،^۲ تفسیری جز عصمت بر نمی‌تابد.

۳-۴ عصمت اهل بیت علیهم‌السلام در روایات نبوی

روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فضایل فراوانی برای اهل بیت علیهم‌السلام برمی‌شمارند که برخی از آن‌ها جز با عصمت آنان سازگار نیست. در این قسمت، از احادیثی که تنها شیعیان روایتگر آن‌اند

۱. ر.ک: *المیزان*، ج ۱۶، ص ۳۰۹ تا ۳۱۳؛ *العصمة*، ص ۶۹ تا ۸۲ و ۱۵۷ تا ۲۴۷؛ *منشور جاوید*، ج ۵، ص ۲۸۲ تا ۳۲۰.

۲. ر.ک: *الالهیات*، ج ۴، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ *روح المعانی*، ج ۲۲، ص ۱۲.



درمی‌گذریم و به نمونه‌هایی از آنچه در کتب اهل سنت آمده است، بسنده می‌کنیم:

۱-۳-۴ اهل بیت؛ همراه و همتای قرآن: در حدیث پُرآوازهٔ ثقلین، توجه به دو نکته اندیشهٔ حق جویان را به عصمت اهل بیت علیهم‌السلام رهنمون می‌شود: یکی آنکه در این حدیث، کتاب و عترت در کنار یکدیگر محور هدایت به‌شمار آمده‌اند: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا». دیگر آنکه این روایات، بر جدایی‌ناپذیری قرآن و عترت تأکید می‌کند: «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ». اگر اهل بیت علیهم‌السلام معصوم از گناه و خطا نبودند، پیروی از آنان همواره موجب هدایت نبود و جدایی‌ناپذیری آنان از قرآن، معنای روشنی نمی‌یافت.

۲-۳-۴ علی بن ابی طالب علیه‌السلام، مدار و معیار حق: برای داوری میان انسان‌های عادی، چیزی را جز حق نمی‌توان محورِ ارزیابی قرار داد. باید ابتدا حق را شناخت تا بتوان میزان حقانیت

اشخاص را بر اساس نزدیکی و دوری به این محور سنجید: «إِعْرِفِ الْحَقَّ تُعْرِفِ أَهْلَهُ»^۱ تنها کسانی که خود، معیار حق‌اند و حق بر گرد آنان می‌چرخد، معصومان‌اند و امام‌علی‌علیه‌السلام به گواهی رسول خدا ﷺ، از این گروه است: «عَلَى مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»^۲ نیز، «اللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ دَار»^۳ ۳-۳-۴ پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام؛ مایه رستگاری: افزون بر حدیث معروف سفینه («مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ»^۴) که اهل بیت علیهم‌السلام را به کشتی نوح همانند می‌کند و رستگاری ابدی را با پیروی از آنان، پیوند می‌زند، احادیث فراوان دیگری نیز در این باره می‌توان یافت که این روایت، نمونه‌ای از آنهاست: «هر کس می‌خواهد زندگی و مرگش همچون حیات و ممات من باشد،... ولایت

۱. بحار/الانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۶.

۲. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۱.

۳. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳؛ المناقب، باب ۲۰؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴. المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۳؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۴؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۸۶.



علی و فرزنداناش را برگزیند؛ زیرا آنان هرگز شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به‌گمراهی نمی‌کشانند.»^۱

۱. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۱ و ۶۱۲، ح ۳۲۹۶۰.

۵. پیامدهای اعتقاد به عصمت





؟: آیا اعتقاد به عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام، بر زندگی فردی و اجتماعی شیعیان

تأثیری منفی نمی‌گذارد؟

برخی کسانی که عصمت معصومان علیهم السلام را پذیرفتنی نمی‌یابند، پیامدهایی منفی برای این باور برشمرده و از این راه، به نقد آن پرداخته‌اند. گروهی چنین پنداشته‌اند که شخص معصوم را نمی‌توان الگوی دیگران و برتر از آنان به‌شمار آورد؛ بلکه آنچه شأن و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله را بالا می‌برد، زندگی غیرمعصومانۀ اوست که «نشانگر آن است که در جهاد اکبر و مبارزه با نفسِ اماره، موفق بوده و در غالب اوقات، راه و هدف درست را شناخته و از آن پیروی کرده است.»^۱

برخی دیگر، پدیدهٔ عصمت را سبب رونق بازار دورویی و ظاهرآرایی می‌دانند و تلاش

۱. مقارنۀ الادیان، ج ۳، الاسلام، ص ۱۲۶.



می‌کنند با اثبات این نکته که «گناه، در طرح خلقت آدمی مندرج است»،^۱ وجدان گناه‌آلودگان را آسوده سازند و بدین وسیله، به گمان خود، آنان را از مقدس‌مآبی و زهدفروشی بر حذر دارند.^۲ در پاسخ به چنین دیدگاهی، چند نکته را یادآور می‌شویم:

۱-۵ دستیابی پیامبران و امامان علیهم‌السلام به کمالات ویژه‌ای نظیر عصمت، گزاف و بی‌دلیل نبوده است و در شایستگی‌های آنان ریشه دارد؛^۳ بنابراین، عصمت پیامبران و امامان از گناه، افزون بر فواید دیگر، در بُعد عملی، از انسان دست‌گیری می‌کند و نمونه‌ای کامل از کسانی را فراروی آدمیان قرار می‌دهد که از بند شیطان رسته و به خدا عز و جل پیوسته‌اند؛ چنان که عصمت

۱. دین و جامعه، ص ۴۸۹.

۲. همان، ص ۴۸۷.

۳. ر.ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۵، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ لا الهیات، ج ۳، ص ۱۷۶ و ۱۷۷؛ پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۶۸ تا ۶۶.



در دریافت و ابلاغ وحی نیز در بُعد علمی، به یاری آدمی می‌شتابد و معرفت حقیقی و سعادت واقعی را دست‌یافتنی می‌سازد. مقصود قرآن کریم از نقل حکایاتی مانند داستان حضرت یوسف علیه السلام نیز همین درس‌آموزی‌هاست؛ یعنی بیان این حقیقت که حتی در عنفوان جوانی و با فراهم بودن زمینه‌های گناه نیز می‌توان با یاری جستن از خدا عز و جل، از چنگال نفسِ بدفرما، رهایی یافت.

۵-۲ نباید معصومان علیهم السلام را چون ماشینِ خودکاری بپنداریم که بدون سنگ‌اندازی‌های شیطان، راه درست را در پیش می‌گیرند و فارغ از هرگونه مانعی، در طریق مقصود ره می‌سپرند؛ بلکه آنان نیز با شیطان درگیرند. هر چند، همواره در این جهاد اکبر پیروز میدان‌اند.

۵-۳ رهبران دینی، گرچه مردم را به پیروی از معصومان علیهم السلام فرامی‌خوانند و از آنان می‌خواهند که پیامبران و امامان علیهم السلام را الگوی خویش سازند، همواره بر این نکته تأکید می‌ورزند



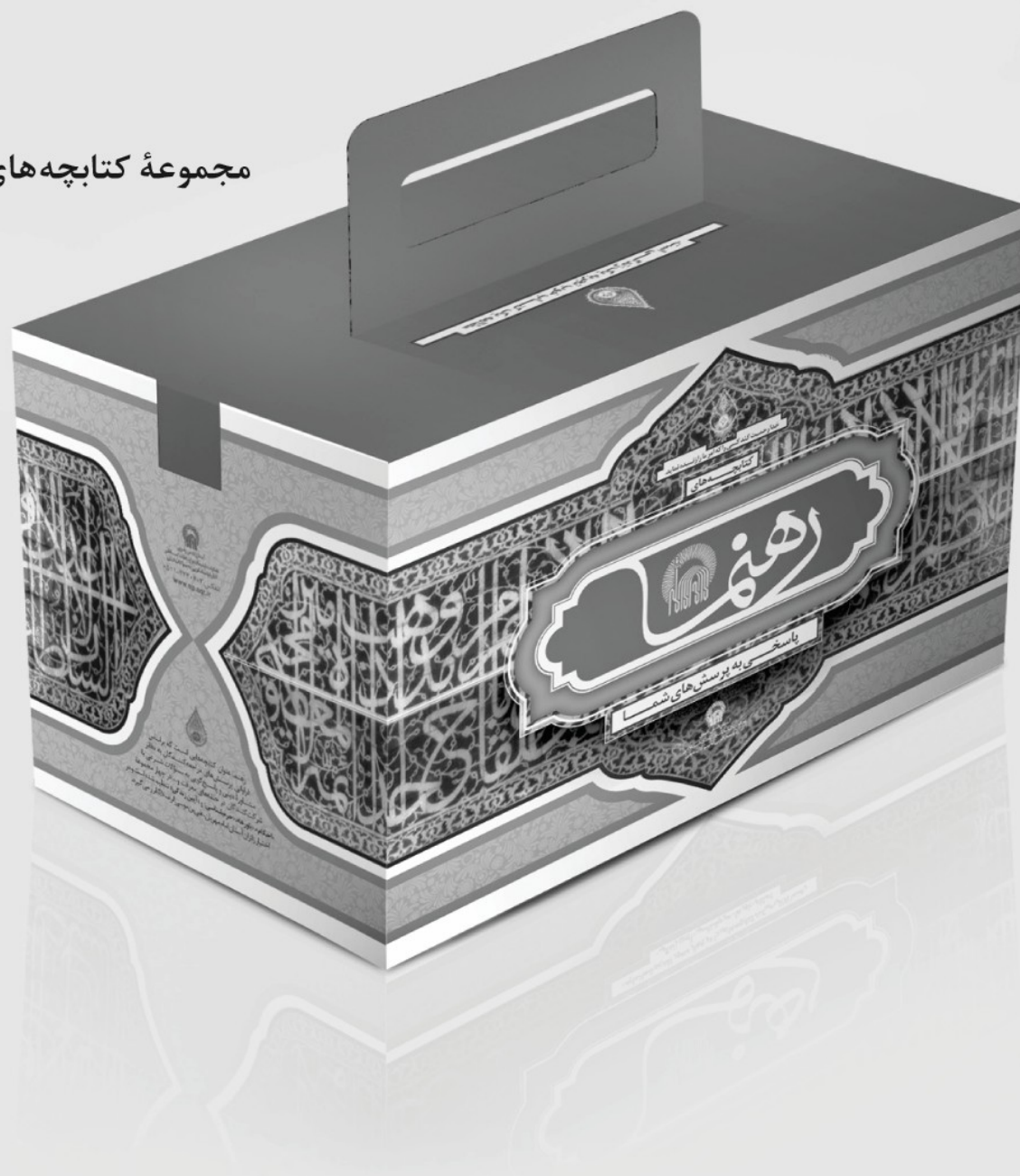
که هیچ‌گاه به مقام معصومان علیهم‌السلام نتوان رسید.^۱ از این‌رو، جانب‌داری از اندیشهٔ عصمت، فشاری درونی یا برونی بر مؤمنان وارد نمی‌سازد و روح و جان آنان را نمی‌آزارد.

معصومان علیهم‌السلام در همهٔ کمالات انسانی، پیشتازِ دیگران‌اند و کسی به آنان نزدیک‌تر است که در این راه، گام بیشتری بردارد. البته، هیچ‌گاه نباید اندیشهٔ هم‌وردی با آنان را در سر پروراند؛ چنان‌که پیشوای متّقیان، امیرمؤمنان علیه‌السلام، دربارهٔ زهد و ساده‌زیستی خویش می‌فرمایند: «آگاه باشید که هر پیروی را پیشوایی است که پی‌وی پوید و از نور دانش او روشنی جوید. پیشوای شما، از دنیای خود، به دو جامهٔ فرسوده بسنده کرده و دو قرص نان را خوردنی خویش کرده است... بدانید که شما چنین نتوانید کرد، اما مرا یاری کنید به پارسایی و در پارسایی کوشیدن و پاک‌دامنی و درستی‌ورزیدن».^۲

۱. الا‌لهیات، ج ۳، ص ۱۷۶ و ۱۷۷. پژوهشی در عصمت معصومان، ص ۶۶ تا ۶۸.

۲. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

مجموعه کتابچه های رهنما



نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.